

# چشم‌انداز توازن قدرت در قفقاز در پرتو تحول در روابط ترکیه - ارمنستان

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۸/۲۲

تاریخ تأیید: ۱۳۸۸/۱۰/۲۰

میرقاسم بنی‌هاشمی\*

## چکیده

بررسی معادله قدرت در قفقاز در پی بهبود مورد انتظار روابط ترکیه و ارمنستان نشان می‌دهد ترکیه به خاطر ملاحظاتی چون، کاهش فشار بین‌المللی، ورود به اتحادیه اروپا، امنیت و انتقال انرژی، نفوذ بیشتر در قفقاز و ایجاد محیط امن منطقه‌ای در صدد بهبود روابط با ارمنستان است. ارمنستان نیز به خاطر اهداف راهبردی همچون کاهش وابستگی نظامی - اقتصادی به روسیه، رفع محاصره اقتصادی، خروج از انزوای ژئوپلیتیکی، پاسخ به بحران‌های داخلی و دستیابی به امنیت منطقه‌ای، گرایش زیادی به بهبود روابط با ترکیه دارد. چنین تحولی می‌تواند توازن قدرت در منطقه را تغییر دهد. تغییر مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی در قفقاز مانند تغییر ائتلاف‌ها و ظهور نظم نوین منطقه‌ای، تحول سازوکارها و ترتیبات امنیتی، تأثیر بر بحران قره‌باغ و به ویژه اقتصاد انرژی، امنیت انرژی و همکاری‌های اقتصادی در منطقه، از این جمله‌اند.

کلیدواژه‌ها: قفقاز جنوبی، ترکیه، ارمنستان، توازن قدرت، اقتصاد انرژی، بحران قره‌باغ

---

\* دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال دوازدهم • شماره چهارم • زمستان ۱۳۸۸ • شماره مسلسل ۴۶

## مقدمه

نظم منطقه‌ای خاص قفقاز جنوبی پس از فروپاشی شوروی حاکی از آن است که هرگونه تغییر و تحول در نوع روابط و ماهیت تعامل بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در قالب ستیز، رقابت، همکاری و همگرایی یا ائتلاف، تعیین‌کننده موازنه قدرت در این منطقه بوده است. با توجه به وضعیت بی‌ثبات این منطقه در دو دهه گذشته، به نظر می‌رسد توازن و تعادل قدرت و ائتلاف‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای هنوز به طور کامل تثبیت نشده و عوامل داخلی و خارجی متعدد ثبات استراتژیک در قفقاز جنوبی را غیر ممکن می‌سازد.

در این وضعیت که موازنه قدرت مبتنی بر ائتلاف‌ها هنوز استقرار کامل نیافته، تحول در روابط دو کشور ترکیه و ارمنستان تأثیر بسیار مهمی بر وضعیت ژئوپلیتیکی و نیز اقتصاد سیاسی قفقاز جنوبی می‌تواند داشته باشد. روابط خصمانه این دو کشور که در چند دهه گذشته به ویژه پس از استقلال ارمنستان و بحران قره باغ تشدید شده و تداوم یافته است، موجب گردیده تا این دو کشور در دو جبهه مخالف - و البته نه ضرورتاً متخاصم - حضور داشته باشند. بر این مبنای دو سطح منطقه‌ای، ارمنستان در نوعی ائتلاف ضمنی، همکاری‌های گسترده نظامی، اقتصادی و سیاسی با روسیه و ایران برقرار کرده و ترکیه نیز روابط استراتژیکی در عرصه‌های اقتصادی - سیاسی و نظامی با دو کشور آذربایجان و گرجستان به وجود آورده است.

دشمنی تاریخی و تضاد منافع استراتژیک ترکیه و ارمنستان در دو دهه اخیر، یکی از پایه‌های اصلی تکوین این دو جبهه و ائتلاف در قفقاز بوده است. در واقع، ماهیت روابط این دو کشور یکی از عوامل اصلی هویت‌ساز و تعیین‌بخش توازن قدرت منطقه‌ای در قفقاز جنوبی بوده است. بر این مبنای هرگونه تحول در روابط این دو می‌تواند وضعیت ائتلاف‌ها را در بلندمدت در این منطقه دستخوش دگرگونی اساسی نموده و توازن قدرت را به لحاظ ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک بین ائتلاف‌ها متحول نماید.

در عین حال، ایران از یک‌سو در یک رقابت منطقه‌ای مستمر با ترکیه قرار دارد و از سوی دیگر روابط نسبتاً استراتژیکی در دو دهه گذشته با ارمنستان داشته است. بنابراین، هرگونه تحول جدی و مهم در روابط این دو کشور، جایگاه و قدرت ایران در ائتلاف‌های منطقه‌ای را دچار بی‌ثباتی خواهد کرد و تحولات مهمی را در روابط استراتژیک ایران با کشورهای قفقاز

جنوبی و نیز رقبای اصلی ایران یعنی روسیه و ترکیه ایجاد می‌نماید. بر مبنای این مفروضات، سؤال اصلی نوشتار حاضر این است که تحول اساسی در روابط ارمنستان و ترکیه چه تأثیرات ژئوپلیتیکی در منطقه قفقاز جنوبی و موقعیت ایران خواهد داشت؟ برای تبیین این پرسش لازم است به چند سؤال فرعی پرداخت شود: نخست این مسأله که منطق تاریخی شکل‌گیری و تحول موازنه قدرت در قفقاز بر چه بنیان‌هایی استوار بوده است؟ دوم اینکه، آیا تحول اساسی در روابط ارمنستان و ترکیه امکان‌پذیر است و اهداف و انگیزه‌های طرفین برای دستیابی به روابط نوین کدامند؟ سوم اینکه، پیامدهای ژئوپلیتیکی تحول اساسی در روابط دو کشور چه خواهد بود؟

## الف. تمهید نظری و تاریخی

برای تبیین و فهم چشم‌انداز آتی توازن قدرت در قفقاز جنوبی لازم است به لحاظ نظری و تاریخی منطق حاکم بر روابط و مناسبات بازیگران اصلی این منطقه بررسی گردد. در این گفتار، به طور مختصر، ابتدا به بنیان‌های نظری رفتار سیاست خارجی دولت‌ها و یا گفتمان حاکم بر روابط کشورها پرداخته شده و سپس، مؤلفه‌های تاریخی تکوین توازن قدرت در قفقاز بررسی می‌شود.

### ۱. گفتمان مسلط بر سیاست خارجی بازیگران قفقاز

هدف این بخش فارغ از بحث تفصیلی نظری، تبیین این مسأله است که دولت‌های سه‌گانه قفقاز یعنی آذربایجان، ارمنستان و گرجستان و نیز دولت‌های منطقه‌ای رقیب و ذی‌نفوذ یعنی ایران، روسیه و ترکیه، سیاست خارجی خود را بر کدام مبانی فکری - تحلیلی استوار نموده و اهداف و استراتژی خود را در چارچوب کدام گفتمان سیاسی تنظیم می‌نمایند؟ در یک نگرش، برای تبیین بنیان‌های فکری - مفهومی سیاست خارجی دولت‌ها در قفقاز، به سه گفتمان سیاست خارجی یعنی گفتمان ایدئولوژیک، گفتمان ژئوپلیتیک و گفتمان فرهنگی - تمدنی اشاره شده است. بر مبنای تحلیل گفتمانی، هر یک از این گفتمان‌ها، بر اصول و دقایق خاصی

ابتداء یافته و مفاهیم و دال‌های سیاست خارجی را به صور مختلفی تعریف و تعیین می‌کنند. دال‌های شناوری چون منافع ملی، امنیت ملی و قدرت ملی در بستر هر یک از این گفتمان‌ها، معانی و مدلول‌های متفاوت می‌یابند. در واقع، حاکمیت یک گفتمان خاص بر سیاست خارجی، موجب رفتارها، راهبردها و اقدامات مشخص و معینی می‌شود. (۱)

در خصوص اینکه کدام یک از این گفتمان‌ها بنیان فکری سیاست خارجی دولت‌های سه‌گانه قفقاز و دولت‌های سه‌گانه رقیب بوده است، اجماع نظر صاحب‌نظران این است که پس از فروپاشی شوروی، با وجود تقابل سه جهان‌بینی و ایدئولوژی اسلامی (ایران)، سوسیالیستی (روسیه - ارمنستان) و لیبرالیستی (ترکیه - آذربایجان)، منطق و مبنای جهت‌گیری رفتارها و راهبردهای این دولت‌ها، ایدئولوژی‌های آرمانگرایانه نبوده و هریک از دولت‌های رقیب (روسیه، ایران و ترکیه) برای پیشبرد اهداف ایدئولوژیکی خود با موانع متعدد و عمیقی مواجه بوده‌اند و به علل مختلف، ارزش‌ها و آرمان‌های ایدئولوژیکی مبنا و معیار سیاست خارجی این دولت‌ها نبوده است. (۲) همچنین، گرچه برخی نویسندگان سعی کرده‌اند سیاست خارجی کشورهای رقیب در قفقاز را بر مبنای گفتمان فرهنگی - تمدنی تفسیر و تحلیل نمایند، ولی اهداف و آرمان‌های فرهنگی - تمدنی نیز گفتمان مسلط بر روابط و تعاملات این دولت‌ها نبوده است. (۳) با وجود اینکه، هر سه کشور رقیب دارای مزیت‌ها و ظرفیت‌های خاص فرهنگی برای نفوذ و تأثیرگذاری بر تحولات کشورهای سه‌گانه قفقاز هستند، ولی دیپلماسی فرهنگی و استراتژی پیشبرد اهداف فرهنگی - تمدنی مبنای اصلی رقابت، نفوذ و توازن قدرت میان کشورها نبوده است.

سومین رویکردی که برای تبیین سیاست خارجی دولت‌ها در قفقاز مورد توجه بوده، گفتمان ژئوپلتیک می‌باشد. این گفتمان بر پایه مفاهیم و عناصر راهبردی و جغرافیایی قوام می‌یابد. اندیشه ژئوپلتیک، تلاشی نظری برای برقراری و تبیین رابطه میان قدرت ملی و عناصر و محیط جغرافیایی است. به نظر ریمون آرون، ژئوپلتیک «ترسیم جغرافیایی روابط دیپلماتیک - استراتژیک با تحلیل جغرافیایی - اقتصادی منابع طبیعی و تفسیر گرایش‌های دیپلماتیک به عنوان معلول شیوه زندگی و محیط زیست» می‌باشد. (۴) بر این اساس، به نظر دهقانی، منابع طبیعی، موقعیت جغرافیایی، خودکفایی و خودبستگی اقتصادی - صنعتی، تمامیت ارضی،

امنیت ملی به ویژه مرزهای امن، دسترسی آزادانه به بازار و سرمایه جهانی، چگونگی انتقال مواد اولیه و منابع انرژی، در هسته مرکزی گفتمان ژئوپلتیک قرار دارد. با توجه به مؤلفه‌ها و عناصر مفهومی هریک از این گفتمان‌ها می‌توان ادعان نمود که منطق و مبنای سیاست خارجی دولت‌ها در قفقاز در چارچوب گفتمان ژئوپلتیک بوده و این رهیافت بهتر می‌تواند رفتار دولت‌ها را برای نفوذ، تأثیرگذاری، رقابت و دستیابی به قدرت و امنیت بیشتر تبیین نماید. بر این مبنای مفروض نوشتار حاضر این است که گفتمان ژئوپلتیک چارچوب تحلیلی مناسبی برای بررسی چشم‌انداز توازن قدرت در قفقاز در دو دهه اخیر و نیز در آینده می‌باشد.

## ۲. بنیان‌های توازن قدرت در قفقاز

تجربه دو سده و به ویژه دو دهه اخیر در قفقاز حاکی است که کشورهای سه‌گانه قفقاز برای تأمین امنیت و منافع خود به جستجو و کسب حمایت قدرت‌های بزرگ منطقه روی آورده‌اند و دولت‌های بزرگ منطقه نیز برای نفوذ و حضور در عرصه سیاست و اقتصاد این کشورها، معمولاً به رقابت یا ائتلاف با دیگر بازیگران می‌پردازند. نتیجه این جهت‌گیری‌های سیاسی، به ویژه در وضعیت خلاء قدرت هژمونیک، این بوده که دولت‌ها از طریق ائتلاف با همدیگر موازنه قدرت را برای حفظ امنیت و منافع خود به وجود آوردند. هرگونه تغییر در روابط کشورها نیز به طور مستقیم، هم ائتلاف‌ها و هم توازن قدرت منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار داده است.

بر این اساس، از منظر گفتمان ژئوپلتیک، فروپاشی شوروی و استقلال دولت‌های قفقاز به دلایلی چند، نوعی تحول و دگرگونی بنیادی در محیط جغرافیایی و امنیتی برای همه کشورهای منطقه به شمار می‌رود.

این دگرگونی به معنای شکل‌گیری حوزه ژئوپلتیک جدید در اوراسیا می‌باشد که دارای بازتاب‌ها و پیامدهای مهمی برای کشورهاست. (۵) موقعیت و جایگاه خاص جغرافیایی و اهمیت استراتژیک قفقاز، وجود منابع بزرگ نفت و گاز در دو سوی خزر، محصوربودن این مناطق و عدم دسترسی به آب‌های آزاد، تلاش دارندگان این منابع برای انتقال انرژی به

بازارهای مصرف از مسیرهای غیروسی و توجه خاص قدرت‌های فرامنطقه‌ای به امنیت و منابع این منطقه از پیامدهای فروپاشی شوروی می‌باشد.

به این ترتیب، می‌توان اذعان نمود که این دگرگونی هم جایگاه ژئوپلیتیکی منطقه، هم منزلت کشورها و هم موازنه قدرت در بین کشورهای منطقه را دچار تحول اساسی نموده و به تعبیر برخی صاحب‌نظران، موجب آغاز «بازی بزرگ» در منطقه شده است. ریشه‌ها و بنیادهای این بازی و حرکت دولت‌ها به سمت موازنه قدرت را در مؤلفه‌های زیر می‌توان جستجو نمود:

۱-۲. **دولت‌های ناامن؛ عوامل و زمینه‌های متعددی باعث شده تا پس از فروپاشی شوروی دولت‌های ناامنی در قفقاز شکل بگیرد.** این دولت‌ها پس از استقلال سیاسی با ناامنی‌های گسترده داخلی و خارجی مواجه شدند که بقا و موجودیت آنها را به مخاطره می‌انداخت. پس از گذشت نزدیک به دو دهه، احساس ناامنی این دولت‌ها چندان کاهش نیافته است.

در نگرش سیستمی، عوامل ناامنی را می‌توان در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تفکیک نمود. در این نگرش، عوامل و منابع ناامنی یا امنیت در سه سطح یادشده، در ارتباط پیوسته و متقابل با همدیگر قرار دارند. در سطح داخلی می‌توان به بحران هویت و یکپارچگی، دولت‌های ناکارآمد و ضعیف، فرایند ناقص دولت - ملت‌سازی، توسعه‌نیافتگی ساختارهای اداری و اقتصادی و نابرابری اشاره نمود. (۶)

در سطح منطقه‌ای یا بین‌دولتی، اختلافات سرزمینی و منابع جغرافیایی ناامنی که به جنگ‌های منطقه‌ای بین آذربایجان - ارمنستان و گرجستان - روسیه منجر شده و ذهنیت‌های منفی تاریخی ملت‌ها از همدیگر و ورود به ائتلاف‌های منطقه‌ای رقیب، این احساس ناامنی را تشدید کرده است. نتیجه این احساس ناامنی توسط کشورهای سه‌گانه قفقاز، وابستگی هرچه روزافزون‌تر آنها به قدرت‌های منطقه‌ای یا جهانی به منظور ایجاد توازن قدرت به نفع خود بوده است.

در سطح فرامنطقه‌ای نیز می‌توان به نقش نظام بین‌الملل در حال گذار، قرار داشتن قفقاز جنوبی در محل برخورد و رقابت ژئوپلیتیکی قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای و مداخله آنها در مسائل منطقه‌ای و حتی داخلی کشورها به عنوان عوامل بی‌ثبات‌کننده امنیت کشورهای منطقه اشاره نمود.

۲-۲. رقابت قدرت‌های منطقه‌ای؛ چنانکه اشاره شد، نتیجه احساس ناامنی دولت‌های ضعیف قفقاز، تأمین امنیت از طریق وابستگی و اتحاد با قدرت‌های منطقه‌ای رقیب یعنی روسیه، ترکیه و ایران بوده است. (۷) بر این مبنای کشورهای مذکور، برحسب علائق تاریخی - فرهنگی و منافع استراتژیک، به این قدرت‌ها نزدیک شده‌اند. البته، عوامل ناامنی داخلی و نیز منطقه‌ای این دولت‌ها فرصت‌های بسیار مطلوبی برای قدرت‌های منطقه‌ای ایجاد کرده تا برای تأمین منافع استراتژیک خود در برابر دیگر کشورهای رقیب و تقویت نفوذ و مداخله خود در منطقه، به جذب و وابسته نمودن بیشتر این دولت‌ها اقدام نمایند. این نیاز استراتژیک متقابل، موجب ظهور بنیان‌های خاصی از ائتلاف‌ها و موازنه قدرت در قفقاز شده است. بر این اساس، نوعی رقابت جدی بین روسیه، ایران و ترکیه برای نفوذ در اقتصاد و سیاست دول قفقاز ایجاد شده که نتیجه آن ایجاد دو ائتلاف ضمنی و نسبتاً پایدار در دو دهه اخیر در منطقه می‌باشد که در آن، روسیه، ارمنستان و ایران در یک جبهه و ترکیه، گرجستان و آذربایجان با همراهی آمریکا و اروپا در ائتلاف دیگر، دو قطب یا بلوک قدرت را در قفقاز به وجود آورده‌اند. به طبع، هرگونه تحول در روابط درونی این ائتلاف‌ها یا در روابط بین کشورهای حاضر در دو ائتلاف متقابل، هویت ائتلاف‌ها و نیز توازن قدرت بین ائتلاف‌ها را دستخوش دگرگونی و تحول خواهد نمود.

### ب. امکان‌سنجی تحول در روابط ترکیه - ارمنستان

مهمترین سئوالی که در این نوشته بایستی به آن پاسخ مناسبی داده شود، این است که با توجه به مسائل، چالش‌ها و حوزه‌های اختلاف متعدد بین دو کشور ارمنستان و ترکیه، آیا تحول اساسی در روابط دو کشور امکان‌پذیر است؟ آیا دو دولت انگیزه‌ها و اهداف استراتژیکی لازم را برای بهبود مناسبات و عادی‌سازی روابط سیاسی و اقتصادی دارند؟ در این گفتار، با بررسی راهبردها و اهداف منطقه‌ای این دو کشور، به این سئوال‌ها می‌پردازیم.

## ۱. راهبردها و اهداف منطقه‌ای ترکیه

با پایان جنگ سرد، به نظر می‌رسد ترکیه نقش محوری و موقعیت استراتژیک خود را در مبارزه با جهان کمونیسم از دست داده، ولی با فروپاشی شوروی چشم‌اندازها و فرصت‌های متعدد نوینی در سیاست خارجی ترکیه به وجود آمده است. بالکان، قفقاز، دریای سیاه و آسیای مرکزی، مناطقی بودند که ترکیه درصدد کشف مستقل آنها برآمد و دیدگاه و منافع امنیتی و اقتصادی خود را نه در چارچوب جدال دو قطب و متناسب با ملاحظات ایدئولوژیک ابرقدرت‌ها، بلکه بر مبنای منافع و ملاحظات استراتژیک امنیتی و اقتصادی خود بازتعریف نمود. بر این اساس، ترکیه با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی - ژئوپلیتیک، سنت‌های تاریخی و پتانسیل‌های فرهنگی و مذهبی و به ویژه برای پاسخ به چالش‌ها و تهدیدات استراتژیک خود در محیط امنیتی‌اش، اهداف حیاتی زیر را در سیاست منطقه‌ای خود تعریف نمود که توجه به مسأله ارمنستان و عادی‌سازی روابط با آن نیز می‌تواند در چارچوب این اهداف بررسی گردد.

### ۱-۱. تنش‌زدایی در محیط امنیتی

فروپاشی امپراطوری عثمانی میراث پرمسأله‌ای را پیش روی جمهوری نوین ترکیه قرار داد. اختلافات مرزی گسترده با سوریه، عراق، قبرس، یونان و ارمنستان در طول چنددهه، روابط پرتنش را میان ترکیه و این کشورها ایجاد نموده است. چندین کودتای نظامی و حاکمیت نظامیان، جنبش قومی مسلحانه حزب کارگران کرد همراه با سقوط پی‌درپی دولت‌های ائتلافی در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، موجب شده بود ترکیه گرفتار محیط ناامن داخلی و خارجی پیچیده‌ای باشد. با توجه به پایگاه‌ها و حمایت‌های خارجی جنبش مسلحانه قومی کرد، سیاست‌مداران ترکیه به این نتیجه رسیدند که ارتباط وثیقی بین ناامنی‌های داخلی ناشی از رادیکالیسم قومی، مذهبی و ایدئولوژیکی (کمونیستی) و تنش در روابط خارجی منطقه‌ای این کشور وجود دارد. (۸) بر این مبنای سیاست راهبردی تنش‌زدایی با تمام همسایگان در دستور کار سیاست خارجی این کشور قرار گرفت.

روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در نوامبر سال ۲۰۰۲ که به منزله پایان دولت‌های متزلزل ائتلافی بود، این استراتژی را به بنیادی‌ترین اولویت این کشور تبدیل نمود. تنش‌زدایی



در روابط ترکیه - یونان بر سر مسأله قبرس و پیشنهاد برگزاری referendum برای اتحاد یونانی‌ها و ترک‌های قبرس قدم مهم در این مسیر بود. تلاش برای بهبود روابط نه چندان مطلوب با ایران، سوریه، و روسیه در دهه ۱۹۹۰ به خاطر مسأله کردها و دستیابی به توافقات گسترده با این کشورها در جهت قطع حمایت‌های منطقه‌ای از جنبش ناسیونالیستی کردها، گام اساسی دوم ترکیه برای بهبود روابط با کشورهای همسایه بود. موفقیت این سیاست به تدریج موجب توفیق این کشور در کنترل نسبی ناامنی‌های داخلی و منطقه‌ای گردید. این فرایند محیط نسبتاً امنی را در هزاره جدید برای ترکیه فراهم نمود تا در بستر آن بتواند استراتژی توسعه زیرساخت‌های اقتصادی را به طور مطلوبی پیش برده و خود را به عنوان یکی از کشورهای مهم در حال ظهور صنعتی مطرح نماید.

بر اساس این استراتژی نسبتاً موفق و دستاوردهای گسترده آن برای ترکیه، دولتمردان این کشور نمی‌توانند چشم خود را بر یکی از مهمترین چالش‌ها و معضلات سیاست خارجی ترکیه در دو دهه اخیر ببندند و عدم توجه به تنش‌زدایی در روابط خود با ارمنستان به منزله نیمه‌تمام‌ماندن این راهبرد اساسی می‌باشد. بنابراین، در دو سال اخیر، از طریق دیپلماسی پنهان و با وساطت دولت سوئیس، مذاکرات سه‌جانبه و دوجانبه ترکیه - ارمنستان آغاز شده و در خرداد و شهریور ۱۳۸۸، در دانشگاه شهر زوریخ سوئیس، پروتکل ۶ ماده‌ای نقشه راه عادی‌سازی روابط را با حضور وزرای خارجه آمریکا، روسیه، فرانسه، سوئیس و مسئول سیاست خارجی اروپا امضا نمودند.

با توجه به این روند و در پاسخ به سؤال مهم پیش‌گفته، بایستی اذعان نمود که دولت ترکیه در چارچوب اهداف استراتژیک خود نه تنها انگیزه‌های لازم را برای عادی‌سازی روابط با ارمنستان دارد، بلکه برخی توانمندی‌های قابل توجه را برای تشویق و ترغیب ارمنستان به ورود به این مسیر دارا می‌باشد.

## ۱-۲. پیوند امنیت منطقه‌ای و امنیت اقتصاد و انرژی

ترکیه به دلایل متعدد و مهمی مانند احتمال درگیری ناخواسته در بحران‌ها و منازعات منطقه‌ای، امنیت انرژی و امنیت سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی و تجاری، به ثبات

منطقه‌ای به مثابه راهبردی حیاتی و ضرورتی استراتژیک می‌نگرد. در این راهبرد، بین امنیت منطقه و امنیت اقتصادی از جمله امنیت سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های اقتصادی و به ویژه امنیت مسیرهای انتقال انرژی، پیوندی اجتناب‌ناپذیر وجود دارد. بر این اساس، فروپاشی شوروی تهدیدات و فرصت‌های بزرگی را پیش روی این کشور قرار داده است. مناقشه‌های قره‌باغ و اوستیای جنوبی، محیط امنیتی ناپایداری برای ترکیه به وجود آورد و احتمال درگیر شدن آن را افزایش داد. برای مثال، تغییر توازن قدرت در جنگ قره‌باغ علیه جمهوری آذربایجان باعث شد دولت وقت ترکیه در سال ۱۹۹۲، ضمن هشدار به ارمنستان، بخشی از نیروهای نظامی خود را به جمهوری نخجوان اعزام و تهدید به مداخله جدی نماید. این تحركات، باعث واکنش شدید مقامات روسیه و فرمانده کل نیروهای جامعه مشترک‌المنافع و هشدار به ترکیه گردید. فرمانده مذکور اعلام نمود «هرگونه مداخله خارجی در قره‌باغ منجر به درگیری بزرگ نظامی خواهد شد.» (۱۰) چنین تجربه‌ای، باعث شده در سال‌های اخیر، این کشور مخالف هرگونه جنگ و منازعه و توسل به روش‌های نظامی برای حل اختلافات منطقه‌ای باشد و ناامنی منطقه‌ای را به منزله فقدان هرگونه امنیت اقتصادی و انرژی بداند.

در راهبرد جدید امنیت ملی ترکیه، بحران قره‌باغ، مهمترین عامل ناامنی در قفقاز به شمار می‌رود. بنابراین، حل این مسأله از طریق روش‌های مسالمت‌آمیز در بلندمدت، هدف اصلی سیاست خارجی ترکیه می‌باشد. این هدف راهبردی ایجاب می‌کند روابط ترکیه - ارمنستان و سپس روابط ارمنستان - آذربایجان، از وضعیت خصمانه به بهبود و عادی‌سازی گرایش یابد. (۱۱) در واقع، در استراتژی امنیت ملی ترکیه، دستیابی به توسعه و امنیت اقتصادی و انرژی در منطقه، مستلزم رفع تنش با کشورهای پیرامونی و بهبود روابط سیاسی و اقتصادی با همه کشورهای منطقه از جمله ارمنستان می‌باشد.

از این منظر، عادی‌سازی روابط با ارمنستان، مهمترین عامل و منبع ناامنی خطوط انتقال انرژی از آسیای مرکزی و دریای خزر به ترکیه و اروپا را از میان برخواهد داشت و امنیت پروژه‌های باکو - تفلیس - جیهان، به ویژه امنیت پروژه بزرگ خط انتقال انرژی ناکو تضمین خواهد شد. علاوه بر این، شرکت‌های اقتصادی و تجاری و نیز مؤسسات مالی بزرگ ترکیه، با اطمینان خاطر لازم فعالیت‌های خود را در قفقاز از جمله ارمنستان گسترش خواهند داد.

### ۱-۳. کاهش فشارهای بین‌المللی

مسأله ارمنستان همراه با مسأله قبرس، مهمترین چالش سیاست خارجی ترکیه در دو دهه اخیر در سطح بین‌المللی بوده و در چند جبهه سیاسی، راهبردها، اهداف و منافع حیاتی ترکیه را با محدودیت‌های زیادی مواجه کرده است. چالش نخست به تلاش‌های جهانی دولت ارمنستان و لابی قوی ارمنی در اروپا و آمریکا برای شناسایی دعاوی مربوط به کشتار ارمنه در سال ۱۹۱۵ توسط دولت عثمانی برمی‌گردد. این تلاش‌ها که با استقبال برخی قدرت‌های اروپایی و محافل آمریکایی همراه بوده، هم پرستیژ بین‌المللی ترکیه را در سطح جهانی خدشه‌دار کرده و هم روابط سیاسی و اقتصادی ترکیه را با هر کشوری که به شناسایی رسمی دعاوی ارمنه اقدام کرده، مختل نموده است. علاوه بر تأثیر مشخص شناسایی دعاوی ارمنه بر روابط و سیاست خارجی ترکیه، ادعای ارضی ارمنستان نسبت به مناطق شمال غربی و اجتناب آن از به رسمیت شناختن مرزهای بین‌المللی ترکیه نیز تهدیدی برای تمامیت ارضی ترکیه می‌باشد. بنابراین، تلاش ترکیه برای عادی‌سازی روابط با ارمنستان، گام اول کاهش فشارهای دیپلماتیک جهانی و تضمین مرزهای بین‌المللی خود می‌باشد.

دیگر چالش مهم مسأله ارمنستان برای ترکیه، بهره‌گیری آمریکا و اروپا از این موضوع به عنوان ابزار فشار علیه ترکیه در روابط استراتژیک خود با این کشور می‌باشد. برخی کشورهای بزرگ اروپا مانند فرانسه، در دو دهه گذشته، پذیرش مسئولیت کشتار ارمنه به عنوان نسل‌کشی از طرف ترکیه را پیش‌شرطی برای پذیرش کامل ترکیه در اتحادیه اروپا قرار داده‌اند. (۱۲) برخی دیگر از کشورها و نهادهای اروپایی نیز بی‌توجه به دعاوی ارمنه، عادی‌سازی روابط ترکیه - ارمنستان را به عنوان شرط مهم نقشه راه ترکیه در پیوستن به اتحادیه اروپا می‌دانند. البته، اروپا و آمریکا در خصوص تأکید بر عادی‌سازی روابط این دو کشور، اهداف استراتژیک و بلندمدتی را مدنظر دارند. اروپا و آمریکا علاوه بر تسهیل نفوذ خود در قفقاز از طریق ترکیه، به فکر امنیت خطوط انتقال انرژی از آسیای مرکزی و خزر به اروپا هستند.

آمریکا نیز در دو دهه اخیر مسأله شناسایی دعاوی ارمنه را در کنگره آمریکا مانند شمشیر داموکلس بر سر ترکیه قرار داده و در پیشبرد اهداف و منافع منطقه‌ای خود و همسو کردن ترکیه از آن سود برده است. با توجه به این فشارها و محدودیت‌های جهانی و منطقه‌ای ناشی از

مسأله ارمنستان، انتظار می‌رود ترکیه برای رهایی از این چالش‌ها و پیشبرد مطلوب اهداف استراتژیک سیاست خارجی خود، انگیزه و تمایل قابل توجهی برای عادی‌سازی روابط با ارمنستان داشته باشد. آغاز مذاکرات محرمانه در دو سال اخیر، آغاز دیپلماسی فوتبال توسط عبدالله گل در سال ۲۰۰۸ و در نهایت، سوق‌دادن ارمنستان به امضای پروتکل نقشه راه عادی‌سازی روابط، بیانگر این راهبرد اساسی ترکیه برای عادی‌سازی روابط است.

#### ۱-۴. اهداف ژئوپلیتیکی

نگاهی به وضعیت جغرافیایی منطقه قفقاز نشان می‌دهد در پیوستگی آسیای مرکزی و خزر با مدیترانه و اروپا، ارمنستان به لحاظ ترتیبات امنیتی، انتقال انرژی و ایجاد توازن قدرت بین کشورهای بزرگ منطقه‌ای، جایگاه استراتژیکی دارد. از این حیث، یکی از موانع مهم پیوند جغرافیایی ترکیه با قفقاز، مسدود بودن مرزهای سرزمینی این کشور با ارمنستان پس از جنگ آذربایجان - ارمنستان در قره‌باغ می‌باشد. فقدان روابط سیاسی و اقتصادی رسمی با ارمنستان باعث شده است ترکیه و آذربایجان روابط و همکاری‌های استراتژیک خود را از طریق گرجستان انجام دهند. این امر از یک طرف، با توجه به مناقشه‌های متعدد قومی در گرجستان و نیز مسافت طولانی، هم به لحاظ اقتصادی و هم به لحاظ امنیتی، برای این کشورها چندان مطلوب نمی‌باشد و از طرف دیگر، مرزهای مسدود ارمنستان مانع مهمی برای حضور و نفوذ ترکیه در قفقاز در رقابت با دیگر کشورهای قدرتمند منطقه می‌باشد. بر این مبنا، ضرورت تکمیل حوزه نفوذ ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ترکیه مستلزم عادی‌سازی روابط با ارمنستان است.

#### ۲. راهبردها و اهداف منطقه‌ای ارمنستان

ارمنستان نیز همچون ترکیه، اهداف استراتژیک مهمی برای عادی‌سازی روابط خود در منطقه قفقاز مد نظر دارد که به نظر می‌رسد بتواند انگیزه لازم را برای ورود آن به فرایند عادی‌سازی روابط فراهم نماید. گرچه پس از استقلال این کشور، ترکیه جزء اولین کشورهایی بود که روابط دیپلماتیک و اقتصادی را با ارمنستان برقرار نمود، ولی بحران قره‌باغ و اشغال

۲۰ درصد از خاک آذربایجان توسط ارمنستان، باعث شد ترکیه در سال ۱۹۹۳، مرزهای خود را با این کشور بسته و روابط سیاسی و تجاری‌اش را قطع نماید و تا تحولات اخیر نیز گشایش مرزها و آغاز روابط دیپلماتیک خود با ارمنستان را مشروط به حل مسالمت‌آمیز بحران قره‌باغ در چارچوب قطعنامه‌های سازمان ملل و نیز خروج ارمنستان از اراضی اشغالی آذربایجان کرده است.

در واقع، مناقشه قره‌باغ و اراضی اشغالی، منشاء اصلی بحران در روابط منطقه‌ای ارمنستان - ترکیه بوده و بیشتر چالش‌های امنیتی و ژئوپلیتیکی این کشور متأثر از این مسأله می‌باشد. بنابراین، بیشتر اهداف راهبردی ارمنستان از عادی‌سازی روابط با ترکیه، پاسخ به این چالش‌ها می‌باشد.

## ۲-۱. چالش‌های ژئوپلیتیکی - امنیتی

بیشتر صاحب‌نظران اعتقاد دارند نگرش امنیتی دولت ارمنستان در دو دهه اخیر، بیشتر ناشی از موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی این کشور در منطقه است. شکل جغرافیایی ارمنستان، به عنوان کم‌وسعت‌ترین کشور قفقاز که به صورت باریکه کم‌عرض از شمال به جنوب کشیده شده، در پدید آمدن این تلقی بسیار مهم بوده است. (۱۳) این باریکه ۳۶ کیلومتری در محاصره دو کشور متخاصم یعنی آذربایجان و ترکیه قرار گرفته و به شدت ارمنستان را آسیب‌پذیر ساخته است. تداوم بحران در قره‌باغ و عدم خروج ارمنستان از شش منطقه دیگر اشغال‌شده آذربایجان، موجب تداوم وضعیت نه جنگ و نه صلح و در نتیجه، چالش‌های بزرگ امنیتی برای ارمنستان شده است.

این محاصره جغرافیایی و بن‌بست در مسأله قره‌باغ و تهدیدات مکرر آذربایجان به بازپس‌گیری اراضی اشغالی، باعث شده ارمنستان استقلال، حاکمیت و امنیت سیاسی و سرزمینی خود را در وابستگی بنیادی به روسیه تأمین نماید. (۱۴) گرچه ارتش ارمنستان به لحاظ تجهیزات و دیسپلین نظامی، ارتش قدرتمندی در قفقاز محسوب می‌شود، ولی این قدرت مدیون کمک‌های فراوان لجستیکی، انسانی و مالی روسیه می‌باشد. تداوم این وضعیت و اختلافات سرزمینی با دو همسایه شرقی و غربی، باعث شده ارمنستان نتواند مرزهای ملی خود

را به طور رسمی و دائمی تثبیت نماید و چارچوب سرزمینی خود را در سطح جامعه بین‌المللی به طور مشروع مشخص سازد. بنابراین، عدم حل مسأله هویت سرزمینی، مسأله تحکیم استقلال و حاکمیت این کشور را با موانع جدی مواجه ساخته است. (۱۵)

گرچه برخی احزاب رادیکال ملی‌گرا مخالف برقراری روابط ارمنستان با ترکیه هستند، ولی چنین چالش‌های امنیتی - ژئوپلیتیکی باعث شده دولت‌های مختلف در ارمنستان برای فائق آمدن بر این تهدیدات، به روش‌های مختلف، درصدد برقراری یا عادی‌سازی روابط خود با ترکیه باشند. نگاهی به رفتارها و سیاست خارجی ارمنستان در دو دهه گذشته، نشان می‌دهد این کشور به رغم تلاش‌های بین‌المللی برای شناسایی کشتار ارامنه به عنوان نسل‌کشی، همواره درصدد بوده در مواجهه با قدرت منطقه‌ای ترکیه سیاست عمل‌گرایانه‌ای را در پیش بگیرد تا از انزوای سیاسی و ژئوپلیتیکی خود بکاهد.

بر این مبنا، طرح رئیس‌جمهور ارمنستان و مدل امنیتی ۲ + ۳ + ۳ در حاشیه اجلاس سران کشورهای عضو سازمان امنیت و همکاری اروپا در نوامبر ۱۹۹۹ در استانبول، برای ایجاد ترتیبات امنیتی پایدار در قفقاز جنوبی و نیز حضور مکرر در مذاکرات سه‌جانبه بررسی بحران قره‌باغ در آنکارا، نشان می‌دهد ارمنستان برای ایجاد توازن در روابط منطقه‌ای خود، بهبود مناسبات با ترکیه و برقراری روابط دیپلماتیک با این کشور را دنبال می‌کند. (۱۶) ورود به فرایند دیپلماسی پنهان با ترکیه در چند سال گذشته با میانجیگری دولت سوئیس، ورود به دیپلماسی فوتبال و سفر رؤسای جمهور دو کشور در دو سال اخیر، (سفر عبدالله گل به ایروان در سپتامبر ۲۰۰۸ و سرکیسیان به ترکیه در اکتبر ۲۰۰۹) برای تماشای بازی‌های مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۰، آغاز مذاکرات برای تهیه نقشه راه و در نهایت، امضای پروتکل نقشه راه در سوئیس در اکتبر ۲۰۰۹ (۱۷)، سفر وزرای خارجه دو کشور و دیدار و مذاکره در حاشیه اجلاس‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، بیان‌کننده اراده جدی دولت‌های مختلف در ارمنستان برای خروج از انزوای ژئوپلیتیکی، ایجاد تعادل در روابط منطقه‌ای و کاهش وابستگی یکجانبه به روسیه و ایران می‌باشد.

## ۲-۲. ضرورت‌ها و راهبردهای اقتصادی و تجاری

حصر جغرافیایی و چالش‌های امنیتی ناشی از بحران قره‌باغ، آثار بسیار زیان‌بخشی بر بهره‌گیری از مزیت‌ها و پتانسیل‌های ژئوپلیتیکی، ساختار و روابط اقتصادی و حتی ساختار و توسعه انسانی ارمنستان داشته است. با وجود برخورداری ارمنستان از میراث غنی صنعتی همچون نیروی انسانی ماهر و متخصص شهری و زیربنای اقتصادی و ارتباطاتی قوی‌تر نسبت به دیگر کشورهای قفقاز در دهه ۱۹۹۰ و تلاش دولت این کشور برای رهایی و انتقال از نظام اقتصاد متمرکز به نظام اقتصاد بازار آزاد، اجرای سیاست‌های نوین مالی و مدرنیزه کردن زیرساختار اقتصادی و کمک‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول (۱۸)، اقتصاد ارمنستان به لحاظ تأمین انرژی و مواد خام و بازرگانی خارجی و صادرات به شدت وابسته به اقتصاد و کمک‌های مالی روسیه و ایران می‌باشد و نتوانسته برای پیشبرد راهبرد توسعه اقتصادی خود ارتباطات ارگانیک با اقتصاد جهانی و دو همسایه مجاور خود داشته باشد.

فقدان روابط دیپلماتیک و اقتصادی با آذربایجان و ترکیه موجب عدم امکان بهره‌گیری ارمنستان از پتانسیل ژئوپلیتیکی خود برای تقویت اقتصاد ملی و تداوم وابستگی به روسیه شده است. عدم حل بحران قره‌باغ باعث شده ارمنستان در طرح‌ها و پروژه‌های اقتصادی بزرگ بین‌المللی و منطقه‌ای در قفقاز مشارکت داده نشود و بیش از قبل احساس تحریم و انزوا نماید. حذف ارمنستان از پروژه‌های مهم انرژی مانند خط لوله انتقال نفت خزر به نام باکو - تفلیس - جیهان و نیز خط لوله انتقال گاز باکو - تفلیس - ارزروم و مشارکت ندادن آن در پروژه‌های آتی مانند خط آهن باکو - تفلیس - قارص و نیز آزادراه آنکارا - تفلیس - باکو، خسارت‌های استراتژیک و بلندمدت اقتصادی برای ایروان در پی خواهد داشت.

عدم حضور ارمنستان در این پروژه‌ها به ویژه خط لوله انتقال انرژی آسیای مرکزی و خزر به اروپا به نام ناباکو به مفهوم از دست رفتن فرصت‌های تاریخی اقتصادی، تأمین انرژی و حتی امنیت منطقه‌ای و جداسدن سرنوشت اقتصادی و سیاسی ارمنستان از دولت‌های منطقه در مجامع سیاسی و اقتصادی جهانی است.

در اقتصاد سیاسی بین‌المللی، مالکیت مسیر انتقال و کنترل مسیر خطوط لوله‌های انرژی همانند مالکیت بر منابع انرژی، می‌تواند آثار و منافع راهبردی وسیعی مانند دسترسی به نفت و

گاز ارزان‌تر برای تأمین نیازهای داخلی، سرمایه‌گذاری‌های مطمئن، درآمدهای ترانزیتی قابل توجه و قدرت نفوذ بر جریان نفت و گاز و استفاده از آن به عنوان اهرم فشار سیاسی و امنیتی داشته باشد. (۱۹) از این‌رو، دولت ارمنستان و فعالان و صاحب‌نظران دوراندیش سیاسی و اقتصادی آن، خواهان مشارکت فعالانه این کشور در طرح‌های بزرگ اقتصادی و انرژی قفقاز می‌باشند. (۲۰) البته، مهمترین مسیر دستیابی به این هدف و از دست ندادن فرصت‌ها، عادی‌سازی روابط با دشمنان تاریخی به عنوان عوامل اصلی تحریم و انزوای این کشور می‌باشد.

تحریم و انزوا، یکی از عوامل مهم رکود اقتصادی در ارمنستان و عدم تحقق اهداف اقتصادی دولت‌ها در این کشور می‌باشد و نتیجه نهایی آن عدم تحول اساسی در کاهش فقر و بیکاری و تداوم توسعه‌نیافتگی بوده است. بر طبق برآوردهای برخی نهادهای دولتی و پژوهشی ارمنستان، وضعیت نابسامان اقتصادی در دو دهه گذشته، به ویژه پس از بحران قره‌باغ باعث شده است نزدیک به یک میلیون نفر از جمعیت ۷ میلیون نفری ارمنستان از این کشور مهاجرت کنند که بر اساس برآورد دولت ترکیه، تقریباً ۴۰ تا ۷۰ هزار نفر از شهروندان و شرکت‌های ارمنی در این کشور مشغول فعالیت اقتصادی و تجاری هستند. (۲۱)

در مجموع، فشارهای اجتماعی و اقتصادی ناشی از بحران در روابط سیاسی با همسایگان، از یک طرف و وابستگی گسترده اقتصادی و نظامی به روسیه و ایران برای حفظ امنیت و رشد اقتصادی، از طرف دیگر، دولت ارمنستان را به لحاظ منطق ژئوپلیتیکی و اقتصادی ترغیب می‌نماید تا بیش از این فرصت‌های مهم همکاری‌های استراتژیک منطقه‌ای را از طریق عادی‌سازی روابط با ترکیه و سپس آذربایجان از دست ندهد.

### ج. پیامدهای ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی تحول روابط ترکیه - ارمنستان

بررسی و ارزیابی اهداف راهبردی و منطقه‌ای ترکیه و ارمنستان نشان داد دو کشور بنا به ضرورت‌های اساسی بلندمدت، اهدافی فراتر از برقراری روابط دیپلماتیک متعارف بین دو کشور دارند. هر دو کشور تحقق یا حداقل تسهیل در دستیابی به برخی اهداف راهبردی منطقه‌ای و کاهش برخی چالش‌های ژئوپلیتیکی خود را در گرو عادی‌سازی روابط با همدیگر



می‌بینند. بر همین مبنا، پروتکل «نقشه راه» عادی‌سازی روابط را در اکتبر ۲۰۰۹ امضا نمودند، (۲۲) که تحقق مفاد آن تحول بزرگی در قفقاز ایجاد نموده و ژئوپلتیک جدیدی را برای این منطقه رقم خواهد زد. پیامدهای این تحول را می‌توان در چند حوزه مهم «ائتلاف‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای، ترتیبات امنیتی و بحران قره‌باغ، اقتصاد منطقه‌ای و امنیت انرژی» و منزلت منطقه‌ای کشورهای رقیب بررسی نمود.

### ۱. تغییر ائتلاف‌ها و نظم نوین منطقه‌ای

پس از فروپاشی شوروی، به تدریج نظم منطقه‌ای خاصی در قفقاز جنوبی شکل گرفت که بازیگران اصلی آن سه قدرت منطقه‌ای روسیه، ایران و ترکیه بودند. منافع و ملاحظات امنیتی، تاریخی و فرهنگی این کشورها و نیز سه کشور قفقاز باعث شد به تدریج، ائتلاف‌ها و همگرایی‌های نسبتاً پایداری بین این کشورها شکل بگیرد که در یک طرف آن روسیه، ایران و ارمنستان و در طرف دیگر ترکیه، آذربایجان و گرجستان قرار داشتند. این دو طیف در دو دهه گذشته، همکاری‌های نظامی - امنیتی و اقتصادی گسترده و رقابت‌آمیزی را در قالب برخی اتحادیه‌ها یا پروژه‌های بزرگ منطقه‌ای شکل دادند و سعی کردند حداقل در مسائل منطقه‌ای، مواضع و منافع خود را همسو نمایند.

روسیه برای بازیابی و تداوم نفوذ و سلطه خود در آسیای مرکزی و قفقاز، علاوه بر گسترش روابط همه‌جانبه با ایران، اتحادیه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (CIS) و پیمان امنیت دسته‌جمعی را به وجود آورد. در مقابل، ترکیه با برخی جمهوری‌های شوروی سابق که مخالف سلطه مجدد روسیه در منطقه بودند، اتحادیه‌های جدید امنیتی و اقتصادی را بنا کردند. در این چارچوب، اتحادیه گووام<sup>۱</sup> با مشارکت گرجستان، آذربایجان، اوکراین و مولداوی در سال ۱۹۹۷ تشکیل شد که از اهداف آن ادغام در ساختارهای نظامی - امنیتی اروپا و همکاری در چارچوب ناتو اعلام گردید. (۲۳) اتحادیه ترابوزان نیز با مشارکت ترکیه، آذربایجان و گرجستان برای همگرایی اقتصادی و سیاسی بیشتر در قفقاز به وجود آمد. (۲۴)

شکل‌گیری این اتحادیه‌ها، قطب‌بندی سیاسی و نظامی - اقتصادی منطقه را به رهبری روسیه و ترکیه نمایان ساخت. گرچه ایران وارد هیچ‌یک از این اتحادیه‌ها نشد، ولی ماهیت روابط آن با روسیه و ارمنستان، ایران را در ائتلاف روسی قرار داد. در عین حال، به نظر می‌رسد تحول در روابط ارمنستان - ترکیه، پیامدها و تأثیرات چندگانه‌ای را بر ائتلاف‌ها و نظم منطقه‌ای خواهد داشت.

نخست، با توجه به اینکه دو کشور ارمنستان و ترکیه در دو طرف موازنه قدرت قرار دارند و پیشینه روابط خصومت‌آمیز آنها هویت خاصی به این ائتلاف‌ها داده است، تحول در روابط آنها مرزهای هویتی و سیاسی نظم منطقه‌ای دوقطبی را که در دو دهه گذشته استحکام پیدا کرده، دچار از هم گسیختگی خواهد کرد. در واقع، بهبود روابط دو کشور، مفهوم دوست و دشمن را در روابط و رقابت دو ائتلاف منطقه‌ای متحول می‌سازد.

پیامد دوم اینکه، دگرگونی مرزهای ایدئولوژیک و هویتی، زمینه مهمی برای تغییر و تحول در توازن قدرت در نظم دوقطبی منطقه و ائتلاف‌های موجود می‌باشد. بهبود روابط ارمنستان با ترکیه موجب تقویت ائتلاف غرب‌گرا و احتمال ورود ارمنستان به اتحادیه ترابوزان، گووام و اتحادیه کشورهای دریای سیاه می‌باشد. ورود ارمنستان به این فرایند که برای رفع آثار تحریم و انزوای جغرافیایی و بازسازی زیرساخت‌های اقتصادی و صنعتی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود و البته، یکی از اهداف راهبردی ارمنستان در بهبود روابط خود با ترکیه می‌باشد، معادله قدرت را در منطقه به نفع ترکیه و بلوک غرب تغییر داد. البته، در رویکردی دیگر، با توجه به اینکه روسیه به علل مختلف خود را مخالف بهبود روابط ارمنستان و ترکیه نشان نمی‌دهد و حتی از حامیان امضای پروتکل «نقشه راه» در مونیخ سوئیس بود، (۲۵) تحول در روابط دو کشور موجب ظهور نظم نوین منطقه‌ای خواهد بود که در آن، روابط کشورها نه در قالب اتحادیه‌ها یا ائتلاف‌های ضمنی، بلکه در چارچوب همگرایی منطقه‌ای مبتنی بر رقابت ایجابی شکل خواهد گرفت. گسترش همکاری‌های اقتصادی - تجاری روسیه - ترکیه و مشارکت در اجرای پروژه‌های بزرگ انرژی و تأثیرگذاری بر آنها به جای مخالفت و ممانعت، از پیامدهای این نظم نوین خواهد بود. این نظم را می‌توان متأثر از تحول بزرگ در نظام جهانی و بین‌المللی دانست

که در حال ادغام اقتصادهای ملی و نظم‌های فرعی منطقه‌ای درون اقتصاد و سیاست جهانی می‌باشد.

## ۲. ترتیبات امنیتی

به لحاظ امنیتی، مهمترین پیامد فروپاشی شوروی، ظهور منازعات گسترده بین ملت‌ها و اقوام در قفقاز شمالی و جنوبی بود. چنین منازعاتی که ریشه در سیاست‌های ژئوپلیتیکی و قومی روس‌ها داشت و چندین دهه بر مبنای منافع حزب کمونیست سرکوب یا مدیریت شده بود، موجی از ناامنی فراگیر را در هر دو سوی قفقاز پدید آورد. هر سه دولت قفقاز جنوبی که درگیر این منازعات شده بودند، برای حفظ امنیت ملی و بقای خود وارد معادله پیچیده‌ای شده‌اند. منافع متعارض دولت‌های قفقاز و دولت‌های رقیب منطقه‌ای روسیه، ایران و ترکیه و اهداف و منافع متمایز آمریکا و اروپا، ترتیبات امنیتی خاصی را در منطقه به وجود آورد و راهبردهای متفاوتی را بر دولت‌های سه‌گانه تحمیل نمود. (۲۶) ترتیبات و راهبردهایی که در دو دهه اخیر، صلح و امنیت منطقه‌ای را به وجود نیاورده و در وضعیت نه جنگ و نه صلح، هیچ یک از دولت‌ها و ملت‌ها احساس امنیت ندارند.

در مجموع، مدل‌های امنیتی حاکم بر قفقاز در قالب دو دیدگاه منطقه‌گرا و فرامنطقه‌گرا ارائه شده‌اند. (۲۷) دیدگاه منطقه‌گرا که به زبان ریاضی به صورت  $۳ + ۳$  بیان می‌شود، بر همکاری‌های منطقه‌ای سه دولت قفقاز و سه دولت روسیه، ایران و ترکیه در تأمین صلح و امنیت تأکید دارد. این دیدگاه بیشتر از طرف ایران و روسیه حمایت می‌شود و دلیل آن، از یک سو عدم تمایل این کشورها به حضور و نفوذ دولت‌ها و سازمان‌های امنیتی غرب در قفقاز است و از سوی دیگر، حضور دولت‌های اروپایی و آمریکا در قفقاز می‌تواند موجب تقویت و تسهیل نفوذ و حضور ترکیه به ضرر روسیه و ایران شود.

دیدگاه فرامنطقه‌گرا که به صورت  $۳+۳+۲$  بیان می‌شود، علاوه بر کشورهای مدل قبل، اروپا و آمریکا را نیز شامل می‌شود. این مدل و دیدگاه از طرف آذربایجان و گرجستان حمایت می‌شود. مهمترین هدف این کشورها ایجاد توازن قدرت در منطقه و تضعیف نقش و هژمونی روسیه در آن است. در واقع، این دولت‌ها برای تأمین منافع و امنیت خود، از یک طرف تمایل

به ادغام در ترتیبات و نهادهای امنیت جمعی اروپایی و آمریکایی و درگیرکردن آنها در حل و فصل مسائل منطقه‌ای می‌باشند و از طرف دیگر، وارد پیمان‌های چندجانبه امنیت جمعی غرب‌گرا مانند اتحادیه گووام، اتحاد ترابوزان و یا مشارکت در برنامه‌های مختلف ناتو در منطقه شده‌اند.

در خصوص تأثیرات تحول روابط ترکیه - ارمنستان بر ترتیبات و دیدگاه‌های امنیتی، می‌بایست به چند نکته توجه نمود. اولاً، دو کشور دو دیدگاه امنیتی کاملاً متفاوتی در مسائل منطقه‌ای به ویژه بحران قره‌باغ در دو دهه گذشته داشته‌اند و هر کدام نیز در اتحادیه‌های رقیب هم قرار دارند. دو کشور در ایجاد و پایداری موازنه قدرت ائتلاف‌ها و ترتیبات امنیتی منطقه‌ای، نقش مهم و هویت‌بخشی داشته‌اند. بنابراین، به طور طبیعی، تحول در ماهیت روابط آنها می‌تواند هم دیدگاه‌های امنیتی حاکم و هم موازنه قدرت در قفقاز را متحول کند. بهبود روابط دو کشور، دیدگاه امنیتی فرامنطقه‌گرا را در منطقه تقویت خواهد کرد و ارمنستان در یک پروسه میان‌مدت (پنج تا ده‌ساله)، تغییر نگرش و دیدگاه خود را در چرخش به سمت غرب‌گرایی و ایجاد توازن در روابط خود با روسیه و دنیای غرب تکمیل خواهد نمود. کاهش خصومت بین دو کشور آغاز روابط دیپلماتیک و بازشدن مرزهای ارمنستان و خروج این کشور از انزوای اقتصادی و سرزمینی، به تدریج میزان وابستگی ارمنستان را به روسیه و ایران، هم به لحاظ دفاعی - امنیتی و هم به لحاظ اقتصادی و انرژی، کاهش خواهد داد و زمینه حضور و مشارکت بیشتر ارمنستان را در سازوکارهای امنیتی و اقتصادی غرب و نیز حضور ترکیه را در اقتصاد صنعتی، تجاری و انرژی ارمنستان و کل قفقاز و حتی آسیای میانه تقویت خواهد کرد.

گرچه به نظر می‌رسد تحول پیش رو در روابط دو کشور چندان خوشایند دیدگاه امنیتی منطقه‌گرای روسیه و ایران نباشد، ولی بایستی اشاره نمود که در بلندمدت، منافع این کشورها در منطقه دستخوش تحول جدی نخواهد شد. کاهش خصومت منطقه‌ای، نگرانی‌های دفاعی و نظامی و تعهدات مالی و نظامی روسیه را در قبال ارمنستان کاهش خواهد داد و تلاش روسیه به جای حضور نظامی و امنیتی در ارمنستان، به سمت رقابت اقتصادی و تجاری با ترکیه و دیگر کشورهای غربی در قفقاز سوق می‌یابد. همچنین، گرچه در کوتاه‌مدت کاهش وابستگی اقتصادی ارمنستان به ایران و نیز حضور فعال ترکیه در عرصه اقتصاد و انرژی ارمنستان به

ضرر ایران خواهد بود، ولی منافع راهبردی و پیوندهای تاریخی و ملاحظات بلندمدت ایران - ارمنستان، روابط این دو کشور را به طور گسترده تحت تأثیر قرار نخواهد داد. چنانکه برخی صاحب‌نظران معتقدند دو کشور به لحاظ امنیتی، سرزمینی و اقتصادی و برای ایجاد توازن قدرت در روابط منطقه‌ای خود، نیاز پایداری به یکدیگر خواهند داشت. (۲۸)

### ۳. بحران قره‌باغ در پرتو تغییر توازن قدرت منطقه‌ای

ریشه‌های تاریخی - قومی مسأله قره‌باغ، منافع متعارض دولت‌های رقیب منطقه‌ای و قدرت‌های جهانی و به ویژه پافشاری دولت آذربایجان بر حل مسأله در چارچوب تمامیت ارضی این کشور و همچنین، پافشاری ارمنه قره‌باغ بر استقلال، باعث شده میانجیگری ۱۵ ساله گروه مینسک و نیز قطعنامه‌های سه‌گانه شورای امنیت در حل و فصل بحران مؤثر نباشد و وضعیت نه جنگ و نه صلح بین دو کشور ارمنستان و آذربایجان، همچنان تداوم یابد. در عین حال، تحول روابط ارمنستان و ترکیه می‌تواند نقطه عطف مهمی در سرنوشت بحران قره‌باغ باشد. این تحول، به طور متناقضی موقعیت دو دولت آذربایجان و ارمنستان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در نگاه اول، بهبود روابط دو کشور ترکیه - ارمنستان، موقعیت و پشتوانه منطقه‌ای آذربایجان را تضعیف می‌نماید. چنانکه مشاهده می‌شود، این تحول موجب سردی روابط دو کشور آذربایجان و ترکیه و رنجش آذری‌ها شده است.

انتظار آذربایجان از ترکیه، مشروط‌کردن بهبود روابط و بازگشایی مرزها به خروج ارمنستان از مناطق اشغالی پیرامون قره‌باغ و حل مسأله منطقه قره‌باغ در چارچوب تمامیت ارضی این کشور می‌باشد. عدم پذیرش این شرط از طرف ارمنه و خروج آن از پروتکل «نقشه راه» و امضای این سند از طرف دو کشور، گام و پیروزی مهمی برای ارمنستان محسوب می‌شود که ترکیه را در قضیه قره‌باغ در قبال واگذاری بررسی کشتار ارمنه به کمیسیون مشترک تاریخ‌دانان و نیز پذیرش قرارداد ۱۹۲۱ و به رسمیت شناختن مرزهای بین‌المللی فعلی، بی‌طرف نمود. در عین حال، نکته مهم برای ترکیه در قضیه قره‌باغ، پیشبرد استراتژی گام‌به‌گام این کشور برای ایجاد امنیت و صلح در منطقه است. ترکیه امیدوار است همزمان با مذاکرات این کشور با ارمنستان، مذاکرات آذربایجان با ارمنستان نیز به نتایج مثبتی برسد. تأکید ترکیه بر همبستگی

بهبود روابط ارمنستان با ترکیه به مذاکرات آذربایجان و ارمنستان، آغاز فعالیت سیستم فشار ترکیه بر ایروان می‌باشد. (۲۹)

بر اساس راهبرد آنکارا، اولاً مشوق‌های امنیتی و اقتصادی ترکیه و آذربایجان برای ارمنستان در قبال حل بحران قره‌باغ و مناطق اشغالی دیگر، ابزار و کارت بسیار مهمی هستند تا در آینده ایروان را متقاعد به تعدیل مواضع خود نماید. ثانیاً، مشروط‌کردن بهبود روابط و گسترش آن از طرف ترکیه به پذیرش قطعنامه‌های شورای امنیت از طرف ارمنستان که حل و فصل مسأله را در چارچوب تمامیت ارضی آذربایجان درخواست کرده است، اهم فشار حقوقی مهمی برای توجه ایروان به افکار عمومی جهانی و نیز درخواست قدرت‌های بزرگ برای حل مسأله‌آمیز مسأله خواهد بود. ثالثاً، آنکارا واقف است که امنیت و اجرای پروژه‌های بزرگ منطقه‌ای مانند ناباکو و ترانس خزر بدون تأمین نظر باکو در مسأله قره‌باغ ممکن نخواهد بود. از این حیث، ترکیه برای عملی‌شدن این پروژه‌های حیاتی، قدرت‌های بزرگ غربی را برای حل و فصل مسأله‌آمیز بحران قره‌باغ متمایل و همسوتر خواهد کرد. بر این اساس، در پروسه بلندمدت، می‌توان انتظار داشت دو کشور ارمنستان و آذربایجان در چارچوب مذاکرات مستمر در حال انجام، به توافقات اساسی برای حل و فصل مسأله‌آمیز بحران قره‌باغ دست یابند. بر اساس برخی گزارشات موثق، دو کشور در حال تنظیم نقشه راهی هستند که به صورت گام‌به‌گام و در طول ۲۰ سال، بحران قره‌باغ و دیگر مناطق اشغالی را حل و فصل نمایند. در این فرایند، تحول و بهبود روابط ارمنستان و ترکیه در بلندمدت (دوره ۱۰ تا ۲۰ ساله) تأثیرات بسیار مثبتی بر حل و فصل بحران خواهد داشت.

#### ۴. پیامدهای اقتصادی تحول روابط ترکیه - ارمنستان

اگر قلمروهای نوین ژئوپلتیک را ژئواکونومی و ژئوانرژی بدانیم، (۳۰) تحول روابط دو کشور متخاصم تأثیرات عمیقی بر ژئوپلتیک نوین منطقه خواهد داشت و معادلات و توازن قدرت سنتی را دستخوش دگرگونی خواهد نمود. به نظر می‌رسد بهبود روابط دو کشور، وضعیت همگرایی در اقتصاد منطقه‌ای، امنیت ترانزیت انرژی، مسیرهای خطوط انتقال انرژی،

تعامل اقتصاد کشورها و منطقه با اقتصاد جهانی و به ویژه جایگاه و موقعیت اقتصادی کشورها و توازن اقتصادی را دگرگون می‌کند.

فقدان روابط سیاسی ارمنستان با ترکیه و آذربایجان و نیز تنش بین روسیه - گرجستان و روابط سرد ایران با آذربایجان، باعث شده در دو دهه اخیر، همگرایی عمیق اقتصادی در میان کشورهای قفقاز و منطقه به وجود نیاید. تحریم اقتصادی و انزوای سرزمینی ارمنستان توسط ترکیه و آذربایجان، گسست مهمی در همکاری‌های اقتصادی و ارتباطاتی قفقاز و نیز بین آسیای مرکزی و قفقاز ایجاد کرده است. از این حیث، بهبود روابط ارمنستان و ترکیه در میان مدت و ارمنستان - آذربایجان در بلندمدت، مانع بزرگی را در همگرایی ساختارهای اقتصادی قفقاز از میان برخواهد داشت و اقتصاد منزوی ارمنستان را به اقتصاد پویای ترکیه (۳۱) و اقتصاد در حال رشد آذربایجان پیوند خواهد داد. این تحول مهم را می‌توان مقدمه ورود اساسی ارمنستان به اقتصاد منطقه‌ای و ادغام در اقتصاد جهانی دانست.

چنانکه پیشتر اشاره گردید، ورود ارمنستان به این فرایند از اهداف استراتژیک این کشور می‌باشد و این تحول، از یک طرف پاسخی به بحران‌های داخلی و از طرف دیگر، گام مهمی در کسب استقلال اقتصادی این کشور و کاهش وابستگی ساختاری اقتصاد آن به روسیه می‌باشد. نتیجه این تحول در میان مدت و بلندمدت، حاکم شدن منطق اقتصادی بر رفتارها و روابط کشورهای قفقاز و کاهش هزینه‌های نظامی و دفاعی و سوق یافتن آن به سمت توسعه زیرساخت‌های اقتصادی کشورهای منطقه می‌باشد.

شاید مهمترین پیامد زود هنگام بهبود روابط دو کشور ارمنستان و ترکیه، آغاز تحول اساسی در عرصه انرژی و خطوط انتقال نفت و گاز در قفقاز است. گرچه، پیش‌نیاز ضروری این تحول بهبود روابط ارمنستان و آذربایجان می‌باشد، زیرا هم امنیت انرژی و هم تحول در مسیر انتقال، نیازمند حل بحران قره‌باغ و دیگر مناطق اشغالی آذربایجان است و تا زمانی که ارمنستان حاضر به حل و فصل این مسائل در چارچوب قطعنامه‌های شورای امنیت نباشد، آذربایجان حاضر به انتقال انرژی دریای خزر و انرژی آسیای میانه از طریق خاک ارمنستان نخواهد بود. در واقع، ورود ارمنستان به عرصه ترانزیت انرژی و پروژه‌های بزرگی مانند نابوکو و ترانس خزر و همچنین، مشارکت در پروژه‌های زیرساختی ارتباطاتی قفقاز مانند خط ریلی باکو -

قارص، آزادراه باکو - آنکارا و آزادراه ساحلی دریای سیاه، مشروط به حل بحران قره‌باغ است. چنانکه در اهداف راهبردی ارمنستان تبیین گردید، این کشور برای غلبه بر انزوای اقتصادی، سرزمینی و ارتباطاتی خود و جبران تأخیر در ورود به همکاری‌های منطقه‌ای، مواضع خود را در مسأله قره‌باغ تعدیل خواهد نمود.

در صورت تحقق این مسأله و گرایش ارمنستان به مشارکت در پروژه‌های بین‌المللی قفقاز که همراه با تشویق آمریکا و اروپا خواهد بود، گرجستان از مسیر ترانزیتی مهم انرژی حذف می‌گردد و این تحول مهم، از اهداف ضمنی روسیه در نگرش مثبت به بهبود روابط ترکیه در ارمنستان به شمار می‌رود. (۳۲)

با توجه به نقش اراده‌های فرامنطقه‌ای و جهانی در خصوص امنیت انرژی قفقاز و ضرورت کاهش هزینه‌های اجرایی و امنیتی پروژه‌های انتقال انرژی، انتظار این است که در سال‌های آتی، تحول جدی در فرایند مذاکرات صلح آذربایجان و ترکیه با ارمنستان به وجود آید.

### نتیجه‌گیری

ترکیه و ارمنستان، در مناسبات دوجانبه، اهدافی راهبردی فراتر از برقراری صرف روابط دیپلماتیک دارند. مزیت‌ها و منافع این اهداف بلندمدت، هر دو کشور را به سمت تنش‌زدایی بیشتر در روابط سوق خواهد داد.

ارمنستان، اهداف و ملاحظات استراتژیکی مانند کاهش وابستگی ساختاری نظامی و اقتصادی به روسیه، رفع محاصره سرزمینی و خروج از انزوای ژئوپلیتیکی، کمک به حل بحران اقتصاد ملی و گذار مطمئن از اقتصاد دولتی به اقتصاد آزاد و پاسخ به بحران‌های اجتماعی مانند جلوگیری از مهاجرت گسترده آرامنه و تضعیف موقعیت و پشتوانه جمهوری آذربایجان را پی‌گیری می‌کند که دستیابی به آنها در گرو تغییر راهبردهای سیاسی و ذهنی نسبت به همسایه غربی خود است.

ترکیه نیز اهداف مهمی را مانند کاهش فشار آمریکا و اروپا برای بازگشایی مرزها و روابط دیپلماتیک، ورود به اتحادیه اروپا، کمک به تقویت امنیت منطقه‌ای و حل مسأله قره‌باغ در چارچوب قطعنامه‌های شورای امنیت، جلوگیری از تخریب وجهه بین‌المللی ترکیه به خاطر



طرح مداوم ادعای نسل‌کشی ارمنه، پیشبرد سریع‌تر و مطمئن‌تر پروژه‌های انتقال انرژی خزر و آسیای میانه به اروپا و نفوذ و حضور قوی‌تر در قفقاز در رقابت با روسیه و ایران، در دستور سیاست خارجی نوین خود قرار داده و تحقق بخش مهمی از این اهداف، نیازمند تجدید نظر این کشور در رابطه با ارمنستان می‌باشد.

بنابراین، بر اساس چنین اهداف و چشم‌اندازهای بلندمدتی در سیاست خارجی دو طرف، روابط دو کشور در فرایند میان‌مدت ۵ تا ۱۰ ساله متحول خواهد شد. گرچه در میان‌مدت چالش‌های مهمی مانند بحران قره‌باغ یا نیروهای داخلی مخالف، بهبود روابط دو کشور را با فراز و نشیب‌هایی مواجه می‌نماید، ولی اهداف راهبردی مذکور قادر به رفع این چالش‌ها خواهند بود. (۳۳)

از طرف دیگر، تحول روابط دو کشور ارمنستان و ترکیه، تحت تأثیر تحولات در روابط و سیاست‌های قدرت‌های بزرگ جهانی می‌باشد. شاید بتوان اذعان نمود که اجماع قدرت‌های بزرگ رقیب در قفقاز مانند روسیه، آمریکا و اروپا و رضایت آنها برای بهبود روابط ترکیه - ارمنستان، از جمله نادرترین موضوعات بین‌المللی در دو دههٔ اخیر می‌باشد. اهداف استراتژیک آمریکا و اروپا در مسائلی مانند امنیت انرژی و مسیر انتقال آن به غرب، امنیت منطقه‌ای و حضور ناتو و دیگر سازمان‌های امنیتی غرب و نیز اهداف روسیه پس از بحران گرجستان و اوستیای جنوبی، متغیرهای مهمی هستند که دو کشور ارمنستان و ترکیه متأثر از آنها می‌باشند و به طور مشخص، بر جهت‌گیری و رفتار سیاست خارجی هر دو کشور تأثیر خواهد گذاشت. در خصوص تأثیر تحول روابط دو کشور بر ائتلاف‌ها و نظم منطقه‌ای، باید اشاره نمود اولاً با توجه به اینکه ارمنستان و ترکیه در دو طرف ائتلاف‌های رقیب منطقه‌ای قرار دارند، تحول روابط خصومت‌آمیز دو کشور، مرزهای هویتی و سیاسی نظم دو قطبی منطقه‌ای را متزلزل خواهد نمود. این تحول، زمینهٔ مهمی برای تغییر توازن قدرت در میان کشورها و ائتلاف‌ها می‌باشد؛ به این معنی که بهبود روابط دو کشور، موجب تقویت ائتلاف غرب‌گرا و احتمال ورود ارمنستان به سازوکارهای منطقه‌ای طرفدار غرب در بلندمدت می‌گردد و این امر می‌تواند معادلهٔ قدرت منطقه‌ای را به نفع ترکیه تغییر دهد.

به لحاظ ترتیبات امنیتی نیز بهبود روابط موجب تغییر رویکردهای امنیتی و جهت‌گیری‌های دو کشور خواهد گردید و زمینه حضور آنها را در اتحادیه‌های واحد فراهم خواهد کرد. ارمنستان درصدد حذف ترکیه از ترتیبات امنیتی منطقه نخواهد بود و ترکیه نیز تلاش وافر را برای ورود ارمنستان به برخی اتحادیه‌های منطقه‌ای مانند گووام و یا تراپوزان خواهد داشت. این فرایند موجب تضعیف موقعیت روسیه و ایران در ارمنستان و تقویت دیدگاه امنیتی فرامنطقه‌گرا در قفقاز می‌گردد. البته، نباید از این نکته غفلت نمود که به خاطر وابستگی ساختاری ارمنستان به روسیه و ایران به لحاظ ژئوپلیتیکی (حوزه‌های نظامی، انرژی، اقتصادی، سرزمینی)، منافع و روابط این کشورها دستخوش دگرگونی بنیادی نخواهد شد و ارمنستان در چارچوب منافع این دو کشور حامی خود، سیاست خارجی‌اش را پیش خواهد برد.

در عین حال، مهمترین تأثیر بهبود روابط دو کشور، تغییر توازن و معادلات اقتصادی در چند حوزه خواهد بود. اولاً این تحول موانع و چالش‌های مهم همگرایی ساختارهای اقتصادی ترکیه با دیگر دولت‌های قفقاز را مرتفع نموده و زمینه بسیار مطلوبی برای ورود ارمنستان به اقتصاد منطقه‌ای و حتی اقتصاد جهانی فراهم می‌نماید. ثانیاً، پیامد زودهنگام بهبود روابط، تحول اساسی در امنیت انرژی، مسیر پروژه‌های انتقال انرژی از آسیای مرکزی و خزر به اروپا می‌باشد. ورود ارمنستان به عرصه ترانزیت انرژی به جای گرجستان و پروژه‌هایی مانند ناباکو، مشارکت در ارتباطات زیرساختی قفقاز و خروج از انزوای منطقه‌ای، پیامد مهم بهبود روابط دو کشور است.

در جمع‌بندی نهایی، با توجه برخی مؤلفه‌های مؤثر در توازن قدرت منطقه‌ای و قلمروهای تأثیرپذیری کشورها، موقعیت کشورها را در پرتو تحول روابط دو کشور ترکیه-ارمنستان، می‌توان به صورت جدول صفحه بعد تبیین نمود:

پیامدهای تحول روابط ارمنستان- ترکیه بر موقعیت کشورهای منطقه

کشور قلمرو تأثیر	ارمنستان	ترکیه	آذربایجان	ایران	روسیه	گرجستان
تغییر ائتلاف‌های منطقه‌ای	احتمال ورود به ائتلاف نوین	تقویت ائتلاف نوین غرب‌گرا	کاهش نیاز به ائتلاف‌ها	تضعیف ائتلاف سه‌جانبه	تضعیف ائتلاف سه‌جانبه	تقویت ائتلاف نوین غرب‌گرا
ترتیب‌ات امنیتی	کاهش تهدیدات	تقویت ائتلاف نوین غرب‌گرا	کاهش تهدیدات	وضعیت جدید نامطمئن	تقویت ائتلاف غیر روسی	تقویت ائتلاف نوین غرب‌گرا
بحران قره‌باغ	کاهش احتمال توسل به جنگ	افزایش امنیت منطقه‌ای	تقویت چشم‌انداز حل بحران	افزایش امنیت منطقه‌ای	کاهش نفوذ منطقه‌ای	افزایش امنیت منطقه‌ای
اقتصاد و انرژی	تقویت توسعه و استقلال اقتصادی	نفوذ بیشتر منطقه‌ای	تقویت روابط و امنیت انرژی	تضعیف نفوذ و روابط اقتصادی	تضعیف نفوذ و سلطه اقتصادی	کاهش منزلت منطقه‌ای انتقال انرژی

## یادداشت‌ها

۱. سیدجلال‌الدین دهقانی، «گفتمان‌های سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز»، *فصلنامه ایراس*، سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۳۸۵، ص ۱۲۵.
۲. روح‌الله رمضانی، البویه روا و جلال دهقانی، منطق سیاست خارجی ایران و دیگر دول رقیب را ژئواستراتژیک و نه ایدئولوژیک می‌دانند. نک.
- روح‌الله رمضانی، *چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، ترجمه علیرضا طیب که تهران، نشر نی، ۱۳۸۰، ص ۹۴.
۳. برای آگاهی بیشتر نک.
- سیدجلال‌الدین دهقانی، *تحول گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، مؤسسه انتشاراتی روزنامه ایران، ۱۳۸۴، صص ۳۰ - ۱۹.
۴. جیمز دوئرتی و رابرت فالتزگراف، *نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل*، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران، قومس، ۱۳۷۲، ص ۱۰۶۰.
۵. «گفتمان‌های سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز»، پیشین، ص ۱۲۷.
۶. برای توضیح بیشتر نک.
- محمدحسین افشردی، *ژئوپلتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی*، انتشارات دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران، ۱۳۸۱، صص ۱۴۴ - ۱۴۳.
۷. برای آگاهی بیشتر نک. علیرضا شیخ عطار، *ریشه‌های رفتار سیاسی در قفقاز و آسیای مرکزی*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۵، ص ۹۱.
۸. احمد داوود اوغلو معمار سیاست خارجی جدید ترکیه در اثر مهم خود با عنوان «عمق استراتژیک» به تفصیل به این ارتباط غیرقابل تفکیک پرداخته است.
۹. برای آگاهی بیشتر نک.
- [http:// Strategicreview. Blogspot. Com / 2009 / 04 / blog - Spot - 4249.html](http://Strategicreview.Blogspot.Com/2009/04/blog-Spot-4249.html).
۱۰. افشین برزگر، «رقابت قدرت‌های بزرگ در قفقاز و آثار آن بر امنیت منطقه‌ای»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۵۸، تابستان ۱۳۸۶، صص ۱۶۳ - ۱۶۴.
۱۱. برای آگاهی بیشتر از راهبرد جدید منطقه‌ای ترکیه نک.

- احمد کاظمی، امنیت در قفقاز جنوبی، تهران، انتشارات ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۴، صص ۱۲۴ - ۱۲۲.
- Fuller, Graham & Lesser, Ian, *Turkey's New Geo - politics: From The Balkans To Western China*, Sanfrancisco: Westview Press, 1998.
۱۲. نیوناهیل و عمر تاسپینار، «روسیه و ترکیه در قفقاز»، ترجمه اسماعیل شفیع، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، سال چهاردهم، شماره ۵۴، تابستان ۱۳۸۵، ص ۱۸۱.
۱۳. جواد حیدری، «دیدگاه امنیتی ارمنستان در قفقاز جنوبی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴۶، تابستان ۱۳۸۳، ص ۹۸.
۱۴. افشین برزگر، پیشین، ص ۱۷۳.
۱۵. در مدل امنیتی ۳+۳+۲، سه کشور قفقاز، سه کشور قدرتمند منطقه‌ای (ایران، روسیه و ترکیه) و دو قدرت آمریکا و اروپا برای ایجاد ترتیبات امنیتی پایدار و فراگیر مد نظر می‌باشند.
۱۶. جواد حیدری، پیشین، صص ۱۰۱ - ۱۰۰.
۱۷. برای آگاهی از فرایند این تلاش‌ها و نیز مفاد نقشه راه مراجعه شود:
- [www.Eurasianet.Org/departments/in\\_sight/articles/eavo\\_90808a.shtml](http://www.Eurasianet.Org/departments/in_sight/articles/eavo_90808a.shtml).
- [www.arannews.ir/ViewDetail/?ID=n4fp6s5tpl&Type=346&lang=fa](http://www.arannews.ir/ViewDetail/?ID=n4fp6s5tpl&Type=346&lang=fa)
۱۸. غلامرضا هاشمی، امنیت در قفقاز جنوبی، تهران دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۴، ص ۴۹.
۱۹. ناصر ثقفی عامری و سعید تقی‌زاده، «سیاست خطوط لوله»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۷۸، صص ۲۷ - ۲۶.
۲۰. اپوزیسیون قدرتمند دولت قبلی کوچاریان و دولت فعلی سرکیسیان در پارلمان ارمنستان که با سه شعار و هدف امنیت، رفاه و هویت در انتخابات ریاست جمهوری فوریه ۲۰۰۸، نزدیک به ۴۱ درصد آرا را به خود اختصاص داد، منتقد تداوم سیاست‌های فعلی انزواگرایانه طیف تندرو در ارمنستان می‌باشند.
21. Cornell, Svante, E Cornell Caspian Consulting, in: <http://www.SilkroadStudies.org/does/Publications/2004/SIDA/Pdf>.
22. [www.Trtpersian.Com/trtinternational/fa/newsDetail.aspx?HaberKodu=d658cd-b39c-4cba-a25a-9a19f219397b](http://www.Trtpersian.Com/trtinternational/fa/newsDetail.aspx?HaberKodu=d658cd-b39c-4cba-a25a-9a19f219397b).
۲۳. موسی‌الرضا وحیدی، «گوام و CIS: چالش‌ها و فرصت‌های فراروی سیاست خارجی روسیه»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال نهم، شماره ۳۳، بهار ۱۳۸۰، ص ۹۷.
۲۴. برای آگاهی بیشتر نک.
- احمد کاظمی، «اتحاد ترابوزان»، گزارش راهبردی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱.
۲۵. وزیر خارجه روسیه شخصاً در رفع بحران موقتی که از طرف وزیر خارجه ارمنستان برای امضای سند نقشه راه به وجود آمده بود، نقش تعیین‌کننده‌ای داشت. نک.
- [www.Turksam.org/tr/a7844.html](http://www.Turksam.org/tr/a7844.html).
۲۶. برای آگاهی بیشتر نک.

- سیدرسول موسوی، «سازوکارهای امنیتی در قفقاز جنوبی»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، سال دوازدهم، شماره ۴۲، تابستان ۱۳۸۲، صص ۹ - ۶.

۲۷. *امنیت در قفقاز جنوبی*، پیشین، صص ۲۳ - ۲۲۹

28. <http://beheshtipour.blogfa.com/post-135.aspx>.

۲۹. اردوغان در کنفرانس مطبوعاتی خود با اوباما، در آذر ۱۳۸۸، این موضع ترکیه را پس از امضای سند نقشه راه اعلام نمود. نک.

- <http://fa.Trend.Az/news/Karabakh/1595547.html>.

البته، اردوغان در خرداد ۸۸ در پارلمان آذربایجان، این موضع را به طور کامل تأکید کرده بود.

30. G. Demko & W.B. Wood, *Reordering The World*, (U.S.A Colorado: Westview Press, 1994) pp17-19.  
۳۱. اقتصاد ترکیه در اقتصاد جهانی از رتبه ۳۲ در سال ۲۰۰۲ به رتبه ۱۷ جهان در سال ۲۰۰۹ ارتقا یافته و هدف این کشور تا سال ۲۰۲۳ (صدمین سال تأسیس جمهوری ترکیه)، ورود به میان ۱۰ کشور اقتصاد برتر جهان است.

32. [www.Turksam.Org/a1844.html](http://www.Turksam.Org/a1844.html).

۳۳. برای آگاهی از این چالش‌ها و ادله مخالفین بهبود روابط نک.

- *هفته‌نامه فرهنگی و اجتماعی آراکس*، سال بیست و سوم، شماره ۱۱۱ (۱۹۴) ۳۰ مهر ۸۸

[www.Arax-online.Com/Main.htm](http://www.Arax-online.Com/Main.htm)